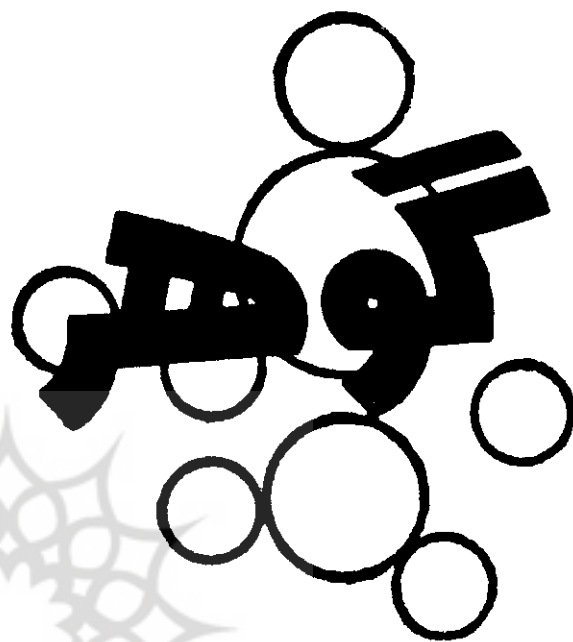


سال ششم - شماره ۷ مهر ۱۳۵۷
(شماره مسلسل ۶۷)



مدیرمسئول: مرتضی کامران



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ریپاچاد
پرتال جامع علوم انسانی
بر کتاب رشحات عین الخیرة

(۴)

این نکته را نیز باید خاطر نشان ساخت که درست است عرفان مکتب مولوی و تصوف آمیخته بازهدسهروردی و ابن العربی، یا مشرب های مختلف آن، در مقابل هم قرار گرفته است، ولی این اختلاف و تباین نه چندان اصولی و قاطع است که بتوان، با اختلاف فاصلی، آنها را از یکدیگر جدا کرد. بلکه باید گفت که در مکتب عرفان مولوی، در عین حال که

وجد و شور و شوق و حال و سماع هست، انجام فرایض مذهبی و اوراد و اذکار هم وجود دارد. هم چنانکه در مکتب تصوف سهروردی، با آنکه زهد و عبادت و وعظ و تذکیر است، وجد و حال و سماع و شعر و ترانه هم هست.

این بود مختصری از دورنمای سیر تصوف و پیشرفت و توسعه آن در ایران، تا اینکه، در اواخر قرن هشتم و قرن نهم، امیر تیمور گورکانی بر ماوراءالنهر و خوارزم استیلا یافت، او نیز، چون دیگر ترکان و تاتارها، در مسلمانی خود تعصب داشت و باین تعصب خویش، یا از روی حقیقت و واقع و یا از راه حیل و تزویر، تظاهر می نمود و نسبت به علمای دین و سادات و مشایخ اهل تصوف اظهار ارادت می کرد. زبردستان او نیز، از سرداران و امیران و شاهزادگان و دیگران، بحکم الناس علی دین ملوکهم، در دین داری و رعایت جانب علمای و مشایخ صوفیه، بوی اقتدا و تأسی می کردند. لذا در تمام دوران حکومت تیمور و جانشینان او، که از اواخر قرن هشتم تا دهه اول قرن دهم ادامه داشت، بازار دینت گرم و کارخانقاهها و مسجدها بارونق و سلطه و سیطره مذهب، در وجوه مختلف زندگی مردم، بیش از پیش، چشم می خورد. در خانقاهها و مدارس، مذهب با تصوف چندان بهم نزدیک شده بود که جدا کردن شریعت از طریقت بدشواری امکان داشت. از آنرو تصوف، بر اثر ازدیاد خانقاهها و زاویهها و باسیدن گاهها و نیز حیثیت و احترام زیاد مشایخ اهل تصوف، بسط و توسعه و پیشرفت یافت، بطوریکه در قرن نهم سلسله های فراوان، با آراء و عقاید متفاوت و مشربها و مسلکهای مختلف، وجود داشتند که هر کدام براه خود میرفتند.

در کتاب حاضر، شرح احوال و ذکر اقوال مشایخ یکی از سلسله های صوفیه، بنام سلسله نقشبندیه و عده ای از مشایخ صوفیه ترکستان، رقم زده شده است. سلسله نقشبندیه، از اواخر قرن ششم تا پایان قرن نهم، در ماوراءالنهر، صاحب مسند و خانقاه و راه و رسم دستگیری و ارشاد بودند و بعدها تاهندوستان بسط پیدا کردند و هم اکنون نیز، در مغرب ایران در کار و بر کارند و برای خود خانقاهها و دستگاههایی مرتب و منظم دارند و بروشی و منشی که در طریقت و شریعت گزیده اند روزگار می گذرانند و در راه رضایت خدا و خدمت بخلق خدا گام برمیدارند. چون در متن کتاب، بطریقی مستوفی، از مجاری احوال و اقوال آنان سخن رفته است، دیگر بتکرار آن ضرورت نیست.

این کتاب چهارمین کتابی است که تا آغاز قرن دهم هجری، در این زمینه، بزبان پارسی نوشته شده است و نخستین کتابی بشمار میرود که منحصر آ در شرح حال بزرگان مشایخ یک سلسله خاص از اهل تصوف، یعنی طریقه نقشبندیه، بزبان پارسی تألیف و تدوین یافته است. نویسنده مقلد و مؤلف محقق آن، مولانا فخرالدین علی بن حسین کاشفی سبزواری، مشتهر بصفی است که در سال ۸۶۷ هجری قمری در سبزواری متولد شده و در سال ۹۳۹ در

بیرون شهرهرات در گذشته است و بعداورا بهرات آورده بخاك سپرده اند . او ازخویشان وشاگردان وپیروان عارف نامی، مولانا عبدالرحمن جامی و خود از متسککان همین سلسله نقشبندیه بوده است که بعد، در زمان سلطنت شاه اسمعیل و پسرش شاه طهماسب صنوی ، در زمره ارادتمندان و در سلك مخلصان خاندان نبوت و ولایت و دودمان عصمت و طهارت صلوات الله عليهم اجمعین درآمد و چند کتاب در ذکر فضائل و مناقب آنسان بر روش علماء امامیه پرداخت .

مصحح دقیقه یاب و محشی موشکاف این کتاب مستطاب، دوست فاضل و محقق نگارنده آقای دکتر علی اصغر معینیان و فقه الله تعالی است که بسالیان دراز ، در اراد تصحیح و تنقیح فصول و ابواب و ایضاح و تحشیه مطالب و مباحث آن ، رنج فراوان کشیده است . يك نگاه به تعلیقات فاضلانه و حواشی محققانه او نشان میدهد که پایه و مایه کار را تاحد نصاب دقت و صحت رعایت کرده است. آقای معینیان، فرزند مرحوم شیخ محمد مهدی معین الشریعه ، در سال ۱۲۹۳ شمسی، در شهر سمنان از شهرهای حاشیه کویرلوت ، در خانواده اهل علم و روحانی متولد شد و بقول شیخ اجل ، همه قبیله او عالمان دین بودند. دوره تحصیلات ابتدائی را در زادگاه خود پایان برد و برای ادامه دوره متوسطه به تهران آمد و چون برای کسب معیشت از خدمت در دیوان ناگزیر بود ، پس از اتمام دبیرستان، در وزارت دارائی بکار پرداخت و پس از دو سال بوزارت فرهنگ انتقال یافت و در ضمن کار ، تحصیلات عالی را، جانانه و عاشقانه، دنبال کرد. ابتدا در دانشکده الهیات و معارف اسلامی و سپس در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، در رشته زبان فارسی مشغول شد و در سال ۱۳۳۱ بدریافت درجه لیسانس در ادبیات و زبان پارسی و بعد درجه فوق لیسانس و سپس درجه دکتری در زبان پارسی نائل آمد و بعد. رفته رفته ، با اقتضای حال و زمان، شش دانگ ، بکار تتبع و تحقیق در متون ادبی و تاریخی و فلسفی و عرفانی گرم افتاد و غرقه شد. مصحح محترم، علاوه بر طبی راست و درست مدارج علمی و ادبی و اداری و داشتن وسعت اطلاع و جودت فکر و حدت ذهن، صاحب فضائل و مکارم اخلاقی فراوان است که وجودش را ارزنده تر و مغتنم تر میدارد. ولی افسوس که از چندی پیش ، بعلمت عارضه قلبی، اغلب ایف بستر بیماری است . معهدا، در همین نالانی و ناتوانی ، با غیرت قابل تحسین و همت در خور آفرین، دقیقه ای از کار مطالعه و تحقیق باز نمیسازد و اراده سست نمیسازد و گرم گرم در میدان جستجو و تکاپو به رسو می تازد، مگر مشکلی را آسان و مجهولی را معلوم و تیر گئی را روشن سازد .

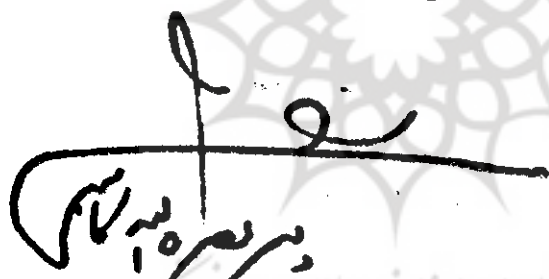
بنیاد نیکوکاری نوریانی، که طبق مواد اساسنامه خود ، حمایت و صیانت زبان پارسی و طبع و نشر کتابهای ممتع و ممتاز انباشته در خزانه غنی فرهنگ نامدار ایرانی اسلامی

وترویج و تکریم عالمان و ادیبان و صاحب نظران و صاحبان لانی را که در راه اعتلا و انجلا
علم و ادب و عرفان و حکمت و شعرو هنر نغز و بامغز پارسی خدمت میکنند ، وجهه همت
خود قرار داده ، بسیار خوشوقت است که این کتاب نفیس و عزیز را ، که نمایانگریکی از
مظاهر عالی فرهنگ قوم و اصیل اسلامی ایرانی یعنی عرفان و تصوف است ، در دو جلد ،
چاپ و نشر میکند و در دسترس مشتاقان و شیفتگان زبان پارسی و پیروان و متمسکان طریقه
نقشبندیه قرار میدهد .

از خدای بزرگ است دعا داریم تا خورشید تابان در آسمان نیلگون میدرخشد و
نور میدهد و تاباران ابرنیشان بر بوستان میبارد و شادابی و خرمی میبخشد ، زبان نغز
پارسی و فرهنگ والای ایرانی اسلامی را روز بروز گران بارتر و سرشارتر کند و این
مشتی خار و خس و خاشاک زبون و بیمقدار را که بنام نوپردازان و هواخواهان موج نو ،
بدامن سبزه ها و گریبان گل های خوش رنگ و بو آویخته و سیمای گلستان زیبا و باصفای
ایران را زشت و بد نما ساخته اند تا رومار کنند و از میان بردارد و بمانیروئی برتر و توفیقی
بیشتر عنایت فرماید تا بتوانیم خدمت بزرگی را که در این راه تعهد کرده ایم بسزا انجام دهیم .
اللهم وقفنا بما یحب و یرضی . انک خیر موفق و معین ایانک نعبدو و ایانک نستعین .

تهران آبان ماه دوهزار و پانصد و سی و شش شاهنشاهی

دیر کل بنیاد - دکتر نصره الله کاسمی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - تاریخ تصوف ج ۲ ص ۵۰۲
۲ - شیخ نجم الدین کبرا در سال ۶۱۸ هـ گام محاصره خوارزم از طرف سپاهیان مغول
بدرجه شهادت رسید . وقت شهادت پرچم کافری را گرفته بود ، پس از شهادت ده کس نتوانستند
که تا او را از دست شیخ خلاص کنند ، عاقبت پرچم را بردند .
بعضی گفته اند که حضرت مولانا جلال الدین رومی در اشعار خود اشاره بر این قصه و
انتساب خود به شیخ کرده که فرموده است :

ما ، از آن محشمانیم که ساغر گیرند ، نه از آن مفلسکان ، کآن بزلاغر گیرند .
بیکی دست ، می خالص ایمان نوشتند ، بیکی دست دگر ، پرچم کافر گیرند .

و این موضوع مسلم می‌دارد که مولانا جلال‌الدین محمد از معتقدان و ادامه‌دهندگان عرفان کبرویه است. نفحات الانس ص ۴۲۳ چاپ تهران، مجالس المؤمنین ج ۲ ص ۷۲-۷۵

۳ - کتاب طرائق الحقائق ج ۲ ص ۳۳۶ چاپ جدید تهران

۴ - درمشایخ بزرگ صوفیه، مولانا روم و شیخ محی‌الدین اکبر در فلسفه یدی بسزا داشته‌اند و از این رو کتب و تصانیف آنان بمسائل فلسفه آمیخته است.

شعر العجم شبلی نعمانی ج ۵ ص ۹۸/ چاپ اول. با وجود این ملاحظه می‌شود که مولانا می‌فرمایند:

پای استدالیان چوبین بود. پای چوبین سخت بی‌تمکین بود.

۵ - شیخ الاسلام ابو حفص شهاب‌الدین عمر بن محمد بن عبد الله - هروردی متوفی بسال ۶۳۲ صاحب کتاب معروف عوارف المعارف، از مشاهیر عرفا و مشایخ بزرگ متصوفه و اواخر قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم و در تصوف شاگرد عموی خود شیخ ابوالنجیب - هروردی و شیخ عبدالقادر گیلانی است. در بغداد خانقاهی معروف و مجلس و عظای گرم و گیراد است. ولادتش در نیمه دوم سال ۵۳۹ هجری در سهرورد زنجان و وفاتش در غره معزم ۶۳۲ در بغداد اتفاق افتاد. شیخ شهاب‌الدین در بغداد عده‌ای از خانقاه‌های متعلق بسوفیان را اداره می‌کرد و ناصرالدین الله خلیفه عباسی رباط و خانقاه مخصوصی برای او ساخته بود که خانه و حمام و بستانی جهت سکونت شیخ و کسان او داشت. شیخ اجل سعدی به شیخ شهاب‌الدین ارادت می‌ورزید و از سخنانش بهره گرفته و در اشعار خود نام و سخنان او را ذکر کرده است.

مراشیخ دانای، مرشد شهاب، دو اندرز فرسود، بر روی آب.

یکی آنکه، در جمع بدبین می‌باش دیگر آنکه، در نفس خود بین می‌باش.

تاریخ مغول ص ۴۹۸-۴۹۹. ابن خلکان ج ۲ ص ۴۱۴-۴۱۵. مجالس المؤمنین ج ۲ ص ۷۰-۷۲. ریحانة الادب ج ۳ ص ۹۸-۶۶

۶ - تاریخ تصوف صفحه ۴۹۹-۵۰۴

۷ - ابو حفص عمر بن علی بن مرشد حموی معروف به ابن فارس از عارفان و شاعران مشهور و اصلاً از مردم شام است که در ذی‌قعدة سال ۵۷۶ در قاهره متولد شده است. اشعار بسیار و قصاید نیکو دارد که قصیده تائیه عرفانی او بسیار مشهور است و شرح و تعلیقات زیاد بر آن نوشته‌اند. ابن فارس در جمادی الاول ۶۳۲ در شهر قاهره در گذشته و مدفن او همان جا است. ابن خلکان ج ۱ ص ۴۱۷. مجالس المؤمنین ج ۷ ص ۵۶-۵۷. ریحانة الادب ج ۸ ص ۱۳۶-۱۳۷. مرات الجنان ج ۴ ص ۷۵-۷۷

۸ - مصباح الهدایه ص ۴۶